



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴/ فرودین/ ۱۳۹۵

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

مصادف با: ۴ رجب ۱۴۳۷

موضوع جزئی: اجزاء_ مقام اول: اجزاء نسبت به امر خودش- تبدیل امتثال

بررسی روایات

جلسه: ۸۶

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در بررسی مواردی بود که محقق خراسانی به عنوان دلیل از شرع بر جواز تبدیل امتثال ذکر فرمودند. بیان شد که برای بررسی صحت و سقم استشهاد محقق خراسانی بر اثبات جواز تبدیل امتثال در شرع، باید روایات این مسئله را بررسی کنیم که آیا مسئله جواز تبدیل امتثال از این روایات استفاده می شود یا نه؟ همانطور که در جلسه قبل بیان شد؛ چهار دسته روایت در مورد استحباب اعاده نماز فردی به صورت نماز جماعت وارد شده است.

دسته اول دلالت بر استحباب اعاده به صورت جماعت دارد که این روایات مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که دسته اول دلالت بر جواز تبدیل امتثال ندارد

بررسی دسته دوم روایات

روایت صحیحی ای است که علاوه بر بیان استحباب اعاده نماز به صورت جماعت تعبیر «یجعلها الفریضه» به آن اضافه گردیده. در نگاه بدوی به نظر می آید که روایت دال بر مستحب قرار دادن نماز خوانده شده و واجب قرار دادن نماز جماعت است. اگر این معنای ظاهری مورد نظر باشد، به نوعی همان سخن محقق خراسانی است. زیرا اگر شخص نمازش را به صورت فردی خوانده و اکنون مواجه با جماعت شده، مطابق روایت، مستحب است همان نمازی را که به صورت فردی خوانده به صورت جماعت بخواند و نماز جماعت را به عنوان نماز واجبش قرار دهد. پس با توجه به این معنا می توان جواز تبدیل امتثال را استفاده کرد. اما معنای روایت این نیست معنای روایت این است که نماز جماعت را به عنوان نماز ظهر قصد کند نه اینکه در آن نیت وجوب کند. فرق بین این دو صورت آن است که طبق معنای اول مکلف باید نماز دوم (جماعت) را به نیت وجوب بخواند. یعنی کانه اساسا نماز ظهر را به جا نیاورده است. مطابق این تفسیر، سخن محقق خراسانی صحیح است. یعنی نماز دوم که به جماعت خوانده شده را به نیت وجوب بخواند. کانه آن تکلیفی که به گردن مکلف بوده را با نماز جماعت امتثال می کند و آنچه که قبلا خوانده شده کالعدم است.

ولی معنای روایت این نیست. زیرا عبارت «یجعلها الفریضه» یعنی نماز جماعت به عنوان نماز ظهر قرار داده شود و آن را به عنوان امتثال قرار دهد نه اینکه نماز قبلی را به عنوان نماز ظهر قرار دهد. زیرا واجباتی مانند نماز، از عناوین قصدیه هستند. یعنی باید معلوم باشد که چهار رکعت نمازی که خوانده شده نماز ظهر است یا نماز عصر، و لذا مکلف باید با قصد معلوم کند که این

فعل چه فعلی است و این نماز چهار رکعتی که می خواند آیا نماز ظهر است، نماز عصر است، یا نماز عشاء؟ حال طبق این روایت عبارت «يجعلها الفريضة» یعنی نمازی که به صورت جماعت خوانده است را نماز ظهر خودش قرار دهد. نه اینکه «يجعلها الفريضة» به معنای این باشد که «يجعلها الوجوب» این نماز را به نیت وجوب بخواند زیرا بین آنها فرق است.

عبارت «يجعلها الفريضة» باید به نحوی تفسیر شود که اعاده تحقق پیدا کند. زیرا بحث در اعاده عمل مکلف است. یعنی کانه آنچه را که مکلف انجام می دهد، نماز ظهر است و اعاده مستحب است ولی نیت می کند که نماز جماعت نماز ظهرش است نه اینکه نیت وجوب برای نماز جماعت کند. زیرا همانطور که مشخص است اگر از عبارت نیت وجوب فهمیده شود دلالت بر جواز تبدیل امتثال می کند ولی اگر از عبارت نیت نماز ظهر فهمیده شود؛ یعنی همان عنوانی که در نماز فرادی قصد کرده بود، این عمل فقط تبدیل می شود به یک عمل مستحبی و از آن جواز تبدیل امتثال فهمیده نمی شود.

بررسی دسته سوم روایات

روایت دیگر روایت صحیحی است که در آن به دنبال عبارت «يجعلها الفريضة» کلمه «ان شاء» آمده است. ظاهر این تعبیر به نظر بدوی این است که مکلف نماز دومی را که بعد از نماز اول خوانده، اگر خواست می تواند به همان عنوان نماز قبلی قصد کند و اگر نخواست، عنوان قبلی را قصد نکند «يجعلها الفريضة ان شاء».

اما در واقع معنای روایت این نیست و باید بین عبارت «ان شاء» و «يجعلها الفريضة» جمع کنیم. یعنی بگوییم: معنای روایت این است که اگر مکلف خواست می تواند این نماز ظهری که به صورت جماعت اعاده کرده را به عنوان قضای نماز ظهری که از او فوت شده قرار دهد در صورتی که نماز قضا به گردش باشد و اگر هم خواست می تواند این را اعاده همان نماز ظهری که خوانده انجام دهد. زیرا از بعضی روایات این معنا استفاده می شود. پس تعبیر «ان شاء» که به دنبال «يجعلها فريضة» آمده در واقع بر این دلالت می کند که این تابع میل و خواست خود مکلف است که نماز دومی که به جماعت خوانده را به عنوان قضای یک نماز قرار دهد یا اعاده همان نماز باشد و این مستحب است. علی ای حال هم در دسته اول و هم در دسته دوم اصل استحباب اعاده مفروغ عنه است

بررسی دسته چهارم روایات

روایت دیگر روایتی است که در آن جمله «يختار الله احبهما اليه» بیان شده است یعنی خداوند از بین نمازی که به صورت فرادی خوانده شد و بین نمازی که به صورت جماعت خوانده است آنچه را که نزد او محبوب تر است اختیار می کند. این روایت نیز دلالت بر جواز تبدیل امتثال نمی کند. زیرا:

اولاً: بعضی در سند این روایت به خاطر وجود سهل بن زیاد اشکال کرده اند ولی بعضی دیگر ایشان را توثیق نموده اند تا حدی که در مورد او این مطلب شهرت پیدا کرده که «الامر في سهل سهل» سهل بن زیاد توسط نجاشی و شیخ طوسی در کتب تهذیب و استبصار تضعیف شده اما خود شیخ طوسی در کتاب رجال او را توثیق کرده بزرگانی مثل وحید بهبهانی و علامه مجلسی نیز او را توثیق کردند. لذا اگر وجه ضعف سند این روایت، سهل باشد، این ضعف سند اختلافی است و چه بسا مقتضای تحقیق این باشد که سهل ضعیف نیست. به هر حال طبق نظر برخی سند این روایت اشکال دارد.

ثانیا: اگر گفتیم سند این روایت ضعیف نیست و روایت، روایت معتبری است آن وقت معنای روایت این است که خداوند متعال ابتدا امر به اتیان نماز ظهر نموده و مکلف نماز را به صورت فرادی خوانده سپس دستور میدهد اگر جماعتی در ارتباط با همان نماز تشکیل شد دوباره نماز را به صورت جماعت امتثال کنید. کانه خداوند تبارک و تعالی امر کرده به انجام دو فعل؛ اول دستور به نماز فرادی و سپس دستور به نماز جماعت داده است. سپس خداوند متعال این دو نماز را در کنار هم می‌سنجد (یکی فرادی و یکی جماعت و مفروض هم این است که این دو نماز از حیث همه شرایط یکسان می‌باشند و تنها تفاوتشان فرادی خواندن و جماعت خواندن نماز است) و با ملاحظه این دو عمل که از همه جهت مثل هم هستند آن عملی که نزدش محبوب تر است را اختیار می‌کند. لذا اگر مکلف نماز را به صورت جماعت بخواند، خداوند ثواب جماعت را بر او عطا می‌کند و فضیلت و ثواب جماعت به او داده می‌شود. این هم یک احتمال دیگر در معنای این روایت است که بیان شد هر چند خیلی مطابق ظاهر روایت نیست ولی به هر حال به عنوان یک احتمال اینجا قابل ذکر است.

اما اینکه گفته شد مطابق ظاهر روایت نیست، به این جهت است که ظاهر روایت اقتضا می‌کند خدا این دو عمل را در کنار هم بسنجد و عملی که نزد او محبوب تر است را اختیار کند. ولی این معنا قطعاً منظور نیست زیرا ظاهر این است که خداوند تبارک و تعالی عمل دوم را اختیار می‌کند چون عمل دوم نزد خدا محبوب تر است. این روایت نیز دال بر جواز تبدیل امتثال نیست.

نتیجه

با ملاحظه چهار دسته روایت در این مسئله؛ نه از دسته اول نه از دسته دوم و نه از دسته سوم و نه از دسته چهارم؛ جواز تبدیل امتثال استفاده نمی‌شود.

بررسی مورد دیگر از شرع

مورد دیگری نیز در کلمات بعضی از اصولیون به عنوان اینکه وقوع این مورد در شرع دال بر جواز تبدیل امتثال است ذکر شده. بعضی از اصولیون می‌فرمایند: اعاده نماز آیات در مواردی که سبب آن تا حدی دوام داشته باشد مثل خسوف و کسوف که از موجبات نماز آیات هستند در روایات وارد شده است.

توضیح ذلک: به علت اینکه خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی آنی نیستند و از زمانی که ماه شروع به گرفتگی کند یا زمانی که خورشید شروع به گرفتگی کند تا زمانی که برطرف شود زمان قابل توجهی را در بر می‌گیرد، این بحث مطرح شده که آیا اعاده نماز آیات نسبت به چنین اسبابی واجب است یا خیر؟

طبق این روایت مکلف باید نماز آیات را تا زمان برطرف شدن اسباب خورشید گرفتگی اعاده کند. اما علت این اعاده چیست؟ و آیا این دال بر جواز تبدیل امتثال است؟ این باید بررسی شود.

«الحمد لله رب العالمین»